

شبکه حقانی ابزار موثر مداخله گران فرامنطقه ای در صحنه عملیاتی افغانستان

مریم وریج کاظمی^۱

چکیده

در حال حاضر جریان‌ات افراط گرا با در هم تنیدگی بنیادهای فکری و اعتقادی بر اساس طراحی های پایگاههای اطلاعاتی- امنیتی قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای، افغانستان را در شکنندگی کامل فرو برده اند. افغانستان و مناطق قبیله ای هم مرز با پاکستان از گروههای قومی مختلف تشکیل شدند که تنها به فرهنگ و سنن قبیله خود پایبندند و این مزیت بزرگ برای تثبیت هژمون گروههایی است که با استفاده از آن بحران هویت ملی که سرآغازی بر نفوذ و حضور گروههای افراطی است را تشدید کنند. از کلیدی ترین گروههای افراطی که در مناطق قبیله ای کشورهای افغانستان و پاکستان فعال اند، شبکه حقانی است. هدف اصلی این پژوهش که با روش تحلیلی- توصیفی انجام شده، بررسی ماهیت شبکه حقانی در قبال تاثیرگذاری و تاثیرپذیری از فرایندهای بیرونی قدرت در سطح منطقه ای و بین المللی، ضمن پاسخ به این فرضیه که فعالیت این شبکه برای استمرار بحران و خشونت در افغانستان و کشورهای منطقه صرفا تضمینی در جهت حفظ امنیت پاکستان و عمق استراتژیک بخشیدن به قدرتهای فرامنطقه ای برای کنترل خاورمیانه بزرگ و جنوب آسیا است، خلاصه می شود و در نهایت ظرفیت سنجی تولید صلح و ثبات با توجه به فعالیت این شبکه در منطقه، مورد بررسی قرار می گیرد.

کلید واژگان: شبکه حقانی، افغانستان، پاکستان، تروریسم، گروههای افراطی اسلامی.

۱. دانش آموخته دکترا جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

شبکه حقانی در مدیریت تقسیم سیاسی فضاهای تنش آمیز در افغانستان از نقش اساسی برخوردار است. شکل گیری شبکه حقانی که به نیاز ایالات متحده آمریکا برای فشار بر اتحاد شوروی مرتبط بود بعد از مدتی به عنوان نیروی کمکی برای اهداف نظامی- سیاسی پاکستان در جهت تخریب دشمنانش تبدیل شد و تهدیدات امنیتی نامتقارنی را برای گسترش ناامنی در جهت بهره مندی از امکانات ژئواستراتژیکی، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی فضاهای پیرامونی افغانستان، بوجود آورده است. البته حمایت و کمک های اقتصادی- مالی و لجستیکی نهادهای امنیتی پاکستان از این شبکه توانست آنها را به عنوان بزرگترین کارتل ترس و خشونت در منطقه معرفی کند. شبکه حقانی علاوه بر کمک به سیاستهای تخریبی پاکستان در منطقه، کوششهایی جهت تسلط بر ذخایر معدنی مورد تقاضای قدرتهای جهانی هم انجام می دهند. این شبکه که از جانب بعضی از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و سرویس اطلاعات امنیت پاکستان ساپورت مالی- تجهیزاتی می شوند، با جذب نیروهای تحریک طالبان پاکستان- افغانستان، فرماندهی طیف وسیعی از فعالیتهای تروریستی را هدایت می کند و از سوی دیگر می تواند نقش محوری را در تامین امنیت منطقه ای بخصوص در مناطق قبیله ای دو سوی مرز کشورهای افغانستان و پاکستان ایفا نماید. این پژوهش درصدد است تا با بررسی و تحلیل فعالیتهای شبکه حقانی به عنوان کارتل بین المللی ترویج خشونت قومی- مذهبی که تحت لوای گروه طالبان مستقر در پاکستان و افغانستان تجارت سیاه و عملیات تروریستی انجام می دهند و فرصت های کم نظیری را برای استمرار دخالت و حضور نیروهای فرامنطقه ای فراهم می سازند، بر این نکته تاکید ورزد که شکل دهی فضای امنیتی در جهت استقرار تفکرات ایدئولوژی جنبش های مبارز در دو کشور افغانستان و پاکستان صرفا در راستای هژمونی غرب در راس آن ایالات متحده آمریکا قابل ارزیابی می باشد و مداخله گران فرامنطقه ای از ابزار گروههای افراطی نظیر شبکه حقانی صرفا برای نهادینه کردن استراتژی های اقتصادی- سیاسی خود در مناطق مورد مطالعه بهره می برند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز با مراجعه به مقالات علمی- پژوهشی، مقالات و وب سایت های اینترنتی معتبر، اطلاعات لازم گردآوری شد و در نهایت در نتیجه گیری تحلیل نگارنده با استناد به یافته های تحقیق ارائه میشود.

پیشینه تحقیق

طبق بررسی های به عمل آمده در پایان نامه ها، مقالات علمی- پژوهشی- ترویجی، موضوعی با هدف برجسته سازی نقش شبکه حقانی به عنوان کلیدی ترین گروه چالش زا منطقه مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است و تحقیقات در این زمینه مربوط تنش و درگیری گروههای متعدد افراط گرا نظیر

القاعده و طالبان و تندروهای پاکستانی بوده است که شبکه حقانی را به عنوان زیرمجموعه آنان در نظر می گرفتند.

اصطلاحات و مفاهیم نظری

تروریسم

اصطلاح تروریسم برای اولین بار در سال ۱۵۲۸ میلادی وارد ادبیات انگلیسی زبانان شد. اما تاکنون تعریف جامعی از آن ارائه نشده است چراکه اگر به عنوان یک فعالیت به آن نگاه شود برای عده ای جرم محسوب می شود و برای عده ای دیگر اقدام در برابر ظلم و ستم تعبیر می گردد. اما مهمترین ویژگی آن به کار گرفتن خشونت و ایجاد فضای رعب و وحشت برای رسیدن به اهداف سیاسی- اقتصادی- نظامی- اجتماعی و.. است (Ganor.2002). (گانور، ۲۰۰۲) همچنین تروریسم می تواند هویت خود را در نتیجه جرم و جنایت به جهت قدرت طلبی به دست آورد (Williams.2012). طبق تعریفی دیگر تروریسم و حملات تروریستی عبارتند از استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت با ابزارهای مختلف توسط فرد، گروه و یا دولتی بر علیه اتباع عمدتاً غیرنظامی یک یا چند کشور به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه هدف و دستیابی به اهداف سیاسی (اطاعت، ۱۳۹۵: ۶۸). نقش مهم پدیده تروریسم در معادلات ژئوپلیتیکی جهان امروز با پیچیده تر و مهلک تر شدن تروریسم جهانی به اقصی نقاط جهان کشیده و قدرت های مهم کوچک و ضعیفی را به یک صورت تحت تاثیر قرار می دهد (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

مناطق قبایلی پاکستان

هفت منطقه قبیله نشین در مرز شمال غرب پاکستان نیزحوزه زیست قبایل مختلف قوم پشتون محسوب می شوند که به ترتیب شامل باجور، مهمند، خیبر، اورکزئی، کرم ایجنسی، وزیرستان شمالی و وزیرستان جنوبی می شوند. سرزمین قبایلی پاکستان از غرب به خط مرزی دیوراند با افغانستان از شمال به ولایت خیبر از شرق به ایالت پنجاب و از جنوب به ایالت بلوچستان منتهی می گردد. ارتفاعات هندوکش علاوه بر دیواره دفاعی افغانستان نوعی عنصر استراتژیکی برای پاکستان در برابر هند نیز به شمار می آید. نواحی قبیله ای به صورت فدرال اداره می شوند و رهبران قبیله ای آن مناطق از طالبان حمایت می کنند.



جنگ افغانستان

افغانستان جامعه چند قومی، چند فرهنگی و چند مذهبی است. پشتون ها، تاجیک ها و ازبک ها، هزاره ها همچنین اقلیت های ایماق، قزلباش، ترکمن، قیرقیز، پشه ای و نورستانی ساکنین این سرزمین را تشکیل می دهند. پشتون ها بزرگترین گروه قومی - قبیله ای در افغانستان اند که شامل ۴۰ درصد از کل جمعیت افغانستان هستند و عمدتاً در شرق و جنوب شرق و بعضاً شمال کشور ساکنند. پشتون های افغانستان با تاثیرگذاری بر پشتون های پاکستان منافع مشترک گروههای افراطی مستقر در نواحی خود را پیگیری می کنند. آموزه ها و تفکرات رادیکال و جذب نیروها از همین مناطق صورت می گیرد.

جنگ افغانستان اولین حلقه از حلقه های جنگ های امرانه ایالات متحده آمریکا در قالب استراتژی مقابله با تروریسم محسوب می شود. مشهودترین نشانه سیاست های تاریخی بحران زای آمریکا در افغانستان خود را نشان داد زیرا ایالات متحده آمریکا برای نخستین بار ناامنی مستقیم را در جریان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی تجربه کرده بود آن هم از جانب کنشگری که محصول سیاستهای موازنه قدرت واشنگتن در دوران جنگ سرد بوده است. شواهد نشان می دهند که ایالات متحده آمریکا برای مقابله با شوروی در افغانستان به حمایت و سازمان دهی گروههای جهادی در این کشور روی آورد و از آنجا که پس از تحولات ساختاری نظام بین الملل برخی از مناطق ژئوپلیتیک مانند افغانستان اهمیت و کارکرد خود را در سیاست خارجی آمریکا از دست دادند این گروه ها و حوزه های عملیاتی آنها مغفول استراتژیست های آمریکایی واقع شدند. این گونه بود که القاعده پدیدار شد و تحت حمایت و ابتکار این گروه حکومت طالبان به مدت پنج سال از سپتامبر ۱۹۹۶ تا دسامبر ۲۰۰۱ میلادی قدرت را در افغانستان به دست گرفت. القاعده با حمایت همه جانبه طالبان که به مدت پنج سال عملیات های را به انجام رسانده که ۲۴ کشور را در بر گرفته است. از آنچه گفته شد این گونه بر می آید که دولت های غربی در ادامه گفتمان تهدید سازی و امنیتی سازی پسا جنگ سرد که اسلام

و اسلام‌گرایی را جایگزین کمونیسم کرده بودند. پارادایم اسلامگرا که از سوی غربی‌ها تحت عنوان اسلام سیاسی مورد خطاب قرار می‌گیرد بر این مساله تاکید دارد که بر خلاف دین فردی شده و سکولاریسم در جوامع غربی اسلام دین سیاسی و اجتماعی است و برای تمام عرصه‌های حیات انسانی اعم از فردی و اجتماعی برنامه دارد. پس از ۱۱ سپتامبر نیز القاعده را نماد عینی و واقعی از بنیادگرایی اسلامی معرفی می‌کنند این در حالی است که دست کم بخشی از آنچه آنها تروریسم اسلامی می‌نامند نتیجه عملکرد ایالات متحده آمریکا و برخی دولت‌های هم‌پیمانانش در طول جنگ سرد و پس از آن و به ویژه محصول جنگ‌های امرانه پس از ۱۱ سپتامبر بوده است (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۵: ۴۱۸).

یافته‌های تحقیق

هویت شبکه حقانی

شبکه حقانی در مناطق قبیله‌ای فدرال در شمال پاکستان، در نزدیکی مرز جنوب شرقی افغانستان فعالیت می‌کند. این شبکه از موقعیت جغرافیای منحصر به فرد آن مناطق برای پنهان کردن فعالیت‌های خود و جلوگیری از مداخلات نیروی‌های خارجی استفاده کردند. آشنایی با موقعیت جغرافیایی، مانند گذرگاه‌های کوهستانی، به اعضا شبکه دسترسی عالی بین افغانستان و پاکستان می‌دهد. میران شاه که در این منطقه قرار گرفته مهم‌ترین مکانی است که حقانی‌ها برای تسهیل فعالیت‌هایی مانند جمع‌آوری اسلحه، برنامه ریزی لجستیکی و تدوین استراتژی نظامی، اردوگاه‌های پایه‌ای از آن استفاده می‌کنند.

شبکه حقانی سیستم یکپارچه نظامی-مالی-امنیتی-را در بخش‌های شرقی افغانستان، همچنین کابل کنترل می‌کند. این شبکه قوی‌ترین و منظم‌ترین نیروی چریکی جنگ‌های متعدد در افغانستان است که در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی یعنی در زمان جنگ افغانستان توسط مولوی جلال‌الدین حقانی تشکیل شد. گفته می‌شود این گروه منشعب از طالبانی است که در شهر میران شاه پاکستان مستقر بودند. جلال‌الدین عضو قبیله پشتون زدران از ولایت پکتیا افغانستان، در مدارس خصوصی مذهبی افغانستان و پاکستان تحصیل کرده بود. از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ میلادی جلال‌الدین به همراه داوود حکمتیار و برهان‌الدین ربانی، عضو کمیته اجرایی حزب اسلامی، به رهبری فرمانده مشهور مجاهدین محمد یونس خالص بابا بود که از افراطی‌ترین جنبش‌های مقاومت ضد شوروی به شمار می‌رفت. در آنجا جلال‌الدین به عنوان وزیر امور قبایل و مرزها با طالبان افغانستان متحد شد البته جلال‌الدین سالها قبل از حمله شوروی در میران شاه مستقر شده بود و برای سرنگونی محمد داوود خان (اولین رئیس‌جمهور افغانستان و موسس جمهوری افغانستان) و همچنین ملی‌گرایی پشتون‌ها، مورد حمایت و آموزش نهادهای امنیتی پاکستان قرار گرفت. در سال ۱۹۹۷ میلادی رهبران طالبان مستقر در قندهار جلال‌الدین را به عنوان متحد خود در شمال کابل به کار گماردند. همچنین جلال‌الدین

در جنوب شرقی ولایت خوست شهرت بسیاری بین افسران اطلاعاتی آمریکا و پاکستان به دست آورد و بر علیه دشمن بزرگتر یعنی شوروی وارد جنگ چریکی شد. جلال الدین به طور رسمی در ۲۰۰۳ میلادی به عنوان فرمانده جبهه شرق دست به عملیات مختلف زد. مسجد اصلی شهر خوست که با کمک و سرمایه سعودی ها احداث شد محل ملاقاتها و تصمیم گیری های جلال الدین با سایر گروههای افراطی بود (وریج کاظمی، ۱۳۹۹). کلا فعالیت جلال الدین حقانی در سه بخش خلاصه می شود که هر کدام بحرانی ترین دهه های تاریخی در افغانستان را شامل می شود: او ابتدا علیه پادشاه افغانستان سر به شورش گذاشت، سپس وارد جنگ چریکی با اتحاد جماهیر شوروی شد و از سوی دیگر با اتحاد با طالبان سربازان آمریکایی را مورد حمله قرار داد.



از سوی دیگر مسئولین رده بالای شبکه حقانی جزو مشاورین نزدیک اسامه بن لادن (بنیانگذار القاعده) در جنگ دهه ۱۹۸۰ افغانستان شناخته می شوند و بخصوص جلال الدین حقانی تلاش بسیاری برای تبلیغات به جهت جمع آوری شبه نظامیان برای گروه القاعده انجام داد (Ukman, 2011). ارتباط عمیق بین شبکه حقانی و شبکه القاعده باعث شد این دو شبکه درصدد تأسیس یک واحد مشترک جدید متشکل از ۲۰۰۰ مبارز مسلح با همکاری القاعده باشند که توسط حقانی ها تأمین مالی شود. القاعده با کمک حقانی ها قصد داشت اردوگاه های آموزشی جدیدی را در شرق افغانستان که به عنوان قلعه حقانی ها شناخته می شود و شامل مناطق لویا پکتیا خوست، لوگر، پکتیکا و پکتیا است، ایجاد نماید. شبکه حقانی هرگز تمایلی برای پایان دادن به حمایت چند دهه خود از القاعده یا تأمین پناهگاه برای گروه های تروریستی با اندیشه های تسلط جهانی نشان نداده است. بیش از چهار دهه، شبکه حقانی با تسهیل القاعده و انطباق با تغییرات مختلف منطقه، منشاء

بسیاری از نامنی ها و درگیری ها در افغانستان و مناطق قبیله ای پاکستان بوده است. با این تفاسیر طبق نظر کارشناسان برگزاری مذاکرات صلح با طالبان بدون در نظر گرفتن هژمون این شبکه بر تمامی گروههای افراطی اسلامی بخصوص طالبان و القاعده بی فایده خواهد بود (Guest blogger, 2019).

مناطق تحت کنترل حقانی ها در شمال پاکستان همچنین به عنوان پناهگاههای استراتژیک برای سایر سازمان های مبارز اسلامی مانند طالبان پاکستان، جیش محمد، لشکر طیبه و اعضای جنبش اسلامی ازبکستان استفاده شده است. البته استراتژی موقعیت جغرافیایی مطلوب به خوبی عمل کرده بود تا زمانی که باراک اوباما رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا حملات پهبادی را در منطقه وزیرستان شمالی افزایش داد. شبکه حقانی و تحریک طالبان پاکستان در سال ۲۰۰۷م هماهنگی و پشتیبانی از یکدیگر را آغاز کردند، از سوی دیگر پس از انتقال جنبش اسلامی ازبکستان به پاکستان حقانی ها روابط مستحکمی با آنان برقرار نمودند. همچنین گزارشات خبری حاکی از آن بود که از سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲م جیش محمد با حقانی ها همکاری شان را آغاز کردند. لشکر طیبه نیز همکاری مشترکی را در زمینه آموزشی با حقانی ها پیدا کردند.

شبکه حقانی از چهار گروه عمده تشکیلاتی شکل گرفته بطوری که گروه اول متشکل از افرادی هستند که در دوره اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری شخص جلال الدین خدمت کرده بودند. گروه دوم متشکل از ساکنین استان های خوست، پکتیا و پکتیکا هستند و از سال ۲۰۰۱م به شبکه پیوسته اند. گروه سوم شامل همه افرادی اند که به آنها وابسته بوده اند یا از مراکز مدیریتی حقانی یعنی حوزه های علمیه با آنها همکاری کردند. لازم به ذکر است که شبه نظامیان خارجی غیر پشتون نظیر عربها، چچنی ها و ازبک ها نیز حقانی ها را حمایت می کنند. روی همین اصل بعید است که شبکه حقانی که بیشتر از طایفه زادران هستند به شکل قبیله ای عمل نمایند. با اینکه وظیفه استخدام نیروها و مبارزان بر عهده فرماندهان رده متوسط حقانی هاست اما آنها اطمینان دارند که مبارزان خارجی خود را با ایدئولوژی های مذهبی و سیاسی شبکه هماهنگ می کنند. بی شک این شبکه به یک تهدید استراتژیک برای صلح و ثبات پایدار افغانستان و منافع ملی ایالات متحده آمریکا و غرب در منطقه تبدیل شدند و به دنبال ایجاد ناامنی در منافع آمریکایی ها در افغانستان و پاکستان، از طریق حملات انتقام جویانه بر علیه نظامیان ایالات متحده هستند. شبکه حقانی به عنوان بزرگترین تهدیدکننده امنیت سربازان آمریکایی ظاهر شده و عمده حملات خود را در منطقه قبیله ای پاکستان و افغانستان فرماندهی می کند. حقانی ها با دادن تلفات بسیار ناشی از حملات پهبادی در مناطق قبیله ای به سمت افغانستان رهسپار شدند بطوریکه در سپتامبر ۲۰۱۱ م سراج الدین حقانی در طی مصاحبه تلفنی با رویترز ادعا کرد که شبکه حقانی دیگر از پناهگاه هایی که در شمال غربی پاکستان داشت استفاده نمی کند و اکنون در داخل افغانستان احساس امنیت بیشتری دارد. سراج الدین حقانی یکی

از فرزندان جلال الدین است که در حال حاضر فعالیت های شبکه را بر عهده دارد. به دنبال انتشار ۷۵۰۰ سند طبقه بندی شده ویکی لیکس، در ژوئیه سال ۲۰۱۰ م مشخص شد که سراج الدین حقانی در فهرست اولویت بندی شده نیروهای امنیتی بین المللی و در لیست کشتن یا اسارت قرار گرفته است. سراج الدین حقانی بعد از پدرش جلال الدین دومین فرمانده طالبان در زمانی است که مذاکره کنندگان آن در حال توافق با مقامات آمریکایی در دوحه هستند که می تواند منجر به ترک سربازان آمریکایی از افغانستان شود.

نقش پاکستان در بقاء شبکه حقانی

در دهه ۱۹۸۰م پاکستان یکی از متحدیان ایالات متحده آمریکا در مقابله با نیروهای شوروی در افغانستان بود. در پی حوادث یازدهم سپتامبر دوباره پاکستان نقش کلیدی در استراژی کلان مبارزه با تروریسم آمریکا پیدا کرد با این تفاوت که این بار دوستان دیروز آمریکا و پاکستان یعنی طالبان و مجاهدین سابق به دشمنان آنها تبدیل شده بودند و این باعث پیچیده تر شدن روابط پاکستان و آمریکا در دور جدید شد. آمریکایی ها معتقدند پاکستان جدیت لازم را برای سرکوب طالبان پاکستان ندارد و بخش های از ارتش این کشور همچنان از گروههای تندرو اسلام گرا حمایت می کنند (قهرمانپور، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

استمرار فعالیت شبکه حقانی قطعاً محصول و زاییده شکاف مذهبی- قومی در پاکستان است از این رو این شبکه مکمل و دنباله علایق ژئوپلیتیکی پاکستان تلقی می شود. پاکستان با این شبکه وارد تعاملات امنیتی- نظامی و اقتصادی شده است از این رو پاکستان نیز در مقابل سیاست محافظه کارانه در پیش می گیرد و از این ابزار برای فشار بر قدرتهای فرامنطقه ای همچنن بر علیه دشمن دیرینه اش یعنی هند بهره خواهد برد. از این رو در تجزیه و تحلیل ها در مورد رویکرد خصمانه شبکه حقانی می توان پیوندهای جدانشدنی و منافع مشترک با پاکستان را مورد ارزیابی قرار داد. از این رو هرگونه تغییر سیاسی- اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی در پاکستان بی تردید تبعات بسیاری بر وضع داخلی این شبکه خواهد گذاشت.

اطلاعات امنیت پاکستان بارها به طور ضمنی شبکه حقانی را دارایی های ارزشمند خود معرفی کرد که بر روی آن سرمایه گذاری انجام داده است. این سرمایه گذاری با هدف گسترش نفوذ در افغانستان و کنترل نیروهای نیابتی اش و همچنین مقابله با نفوذ هند انجام می پذیرد (Marvin, 2016). وسیع ترین همکاری مالی این شبکه با لایه های پنهان نهادهای امنیتی در پاکستان در حال انجام است از این روست که پاکستان همواره در برابر عملیات نظامی ایالات متحده آمریکا بر علیه حقانی ها مقاومت می کند (Waraich, 2012). سرویس اطلاعاتی پاکستان در واقع به گسترش و تثبیت پناهگاه امن برای عملیات شبکه حقانی کمک کرده و در ازای چنین خدمتی حقانی ها به عنوان یک نیرو واسطه ای برای منافع پاکستان در خاک افغانستان عمل می نماید. شبکه حقانی درگیر حملات تروریستی

علیه منافع هند در کشمیر و سراسر شبه قاره شده است (landler.2010). عناصر موجود در سازمان امنیتی پاکستان همچنان شبکه حقانی را به عنوان یک متحد و نیرو غیر متمرکز برای پاسداری از منافع خود در افغانستان در نظر می گیرند و بر این حساب است که حقانی ها بارها تاسیسات زیربنایی و ساختمانی هندنظیر پروژه جاده کابل - گردیز، را در افغانستان هدف قرار داده اند (Ctc.usma.edu). حقانی ها حملات پرهزینه ای به ویژه در پایتخت کابل، از پناهگاه های خود در خاک پاکستان با حمایت پنهانی ماموران اطلاعاتی این کشور، هدایت کرده اند (Bumiller.2011). این گروه به طرز ماهرانه ای روابط خود را با طیف وسیعی از گروه های شبه نظامی در افغانستان و پاکستان (لشکر طیبیه، جیش محمد، و نفس شریعت محمدی) برقرار کرده و از آنها جهت پیشبرد اهداف خود استفاده می کند (Weinbaum2016).

فشارهای بین المللی از جمله اتهام مستقیم ایالات متحده آمریکا به پاکستان (dawn.com) برای کاهش نفوذ بر گروههای افراطی بخصوص شبکه حقانی به جهت صلح پایدار در افغانستان و کاهش بودجه های سرسام آور نظامی این کشور است چراکه تنها یک راه حل سیاسی مشترک با پاکستان خواهد توانست افغانستان را نجات دهد (Hellmich.2018). لازم به ذکر است که خلاء قدرت و ریشه های افراط گرایی در پاکستان که منجر به تروریسم در ابعاد بین المللی شده قدمتی تاریخی دارد (Washington Quarterly.2004).

تامین مالی این شبکه علاوه بر پاکستان از سوی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را نیز انجام می گیرد. علاوه بر خلیل حقانی برادر جلال الدین که در طی چند سال به منظور جمع آوری پول برای تامین بودجه مدارس مذهبی به دبی، عربستان سعودی، چین و پاکستان سفر کرده بود (U.S. Department of the Treasury.2012)، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ میلادی، ناصر الدین (فرزند جلال الدین) نیز سفرهای منظمی به بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس کرد تا بتواند برای شبکه کمک مالی بگیرد (Carter.2012). از سوی دیگر ناصرالدین در سال ۲۰۱۰ میلادی اظهار داشت که سودی هم بابت قاچاق مواد مخدر که زیر نظر طالبان و القاعده انجام می پذیرد به این شبکه واریز می شود (U.s.department of the treasury.2010). همچنین سراج الدین و سایر فرماندهان طالبان افغانستان و پاکستان از آدم ربایی هم برای پیشبرد اهداف خود و هم در جهت تامین بودجه استفاده می کنند (Anwar.2012). روابط نزدیک حقانی ها با گروههای افراطی عرب و کشمیری و ساپورت های مالی از سوی آنها هم از دیگر منابع مالی به شمار می آید (U.s.embassy.2010). ناگفته نماند که جمع آوری پول و منافع اقتصادی از اولویت اصلی رهبران رده بالا این شبکه است در حالی که مبارزان زیرمجموعه آنان تنها به افتخار جنگ با لشکر کفر و انتقام جویی می اندیشند (Rohde.2009).

محرك های تجاری پرسود

طبق آمار سازمان زمین شناسی ایالات متحده آمریکا، افغانستان و پاکستان دو کشور غنی از منابع زیرزمینی هستند که تاکنون نتوانستند به طور چشمگیر از آن منابع بهره برداری کنند. به طور مثال این سازمان اعلام کرده که در حدود نود و هشت میلیون تن ذخایر کرومیوکسید فقط در دو ولایت لوگر و خوست وجود دارد که ارزش آن به یک تریلیون دلار می رسد (U.S. Geological Survey). کانسارهای فروکروم و کرومیت در وزیرستان شمالی و سایر مناطق منطقه مرزی شمال غربی پاکستان و جنوب شرق و شرق افغانستان باعث شده است که این مناطق به قطب این ذخایر در سطح جهان معرفی شوند (Omar Nawaz, 2012) و کار استخراج و فروش آن زیر نظر اعضاء شبکه حقانی انجام شود (porter, 2012) و از طریق عوامل آنها به هند و چین و بازارهای صنعتی غرب فرستاده میشوند (country reports on terrorism, 2017). گفتنی است که طالبان ولایت قندهار و طایفه حقانی جزو پنج خانواده مافیایی (کارتل بین المللی) مهم در تقسیم منابع در مناطق تحت کنترل خود هستند (peters, 2012). این در حالی است که در مناطقی همچون افغانستان و پاکستان که بیشترین حملات تروریستی به وقوع می پیوندد موضوع بیش از رسیدن به خواسته های ایدئولوژیکی، کسب منفعت اقتصادی در راستای رسیدن به برتری هژمونیک یک قبیله خاص بر سایر طوایف و گروهها مطرح است. شکی نیست کسب درآمدهای غیرقانونی از طریق روابط تجاری سیاه و قاچاق برای ادامه بقا گروههای افراطی الزامیست (Fearon, 2012) و در این رهگذر شبکه حقانی نیز به جهت سود سرشاری که از راه قاچاق مواد مخدر و فروش منابع زیرزمینی کسب می کند حتی توانسته طالبان افغانستان را به خود وابسته کند. در مجموع شبکه حقانی تلاش می کند با برقراری روابط متوازن و پایدار با نهادهای امنیتی و اطلاعاتی پاکستان و تحریک طالبان پاکستان مسیرهای مراودات تجاری-قاچاق و ترانزیت را ایمن سازند که البته این یک معامله پرسود برای هر دو طرف خواهد بود.

تحلیل یافته های تحقیق

بحران و بی ثباتی که ناشی از خلاء قدرت و شکاف های قومی-مذهبی در پاکستان و افغانستان است توانسته اهداف سیاسی-اقتصادی- نظامی قدرتهای منطقه و فرامنطقه ای را در پوشش گروههای افراطی رو به جلو ببرد. افغانستان به عنوان اولین قربانی سیاستهای شبکه حقانی مطرح است چراکه طالبان به عنوان بزرگترین مانع بر سر راه صلح در این کشور به طور کامل به شبکه حقانی وابسته و حتی تامین مالی می شوند. اگرچه در طی چند ماه گذشته اولین قدم برای صلح در افغانستان که همان آزادی اعضای ارشد حقانی ها (انس حقانی، حاجی مالی خان و قاری عبدالرشید عمری) بود انجام گرفت (Umair, 2019). اما به نظر می رسد صلح در افغانستان نیازمند تغییر بنیادین در ساختارهای سیاسی و اجتماعی و شکل گیری شیوه جدید از مدیریت بین المللی باشد که بیش از آنکه نظامات سیاسی- اجتماعی را متاثر کند الزامات اقتصادی را بطلبد و از آنجایی که شبکه وسیعی

از مراودات تجاری- اقتصادی افغانستان زیر نظر شبکه حقانی اما به نام طالبان در حال انجام است شکی نمی گذارد که مسیر طولانی برای ثبات در پیش است. با اینکه دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ادعا کرد که در ازای صلح با طالبان و دیگر گروههای افراطی، کاهش نیروهای نظامی کشورش در افغانستان (هاروارد تروریست ها) چشمگیر خواهد بود اما حضور قدرتمندش را در منطقه از دست نخواهد داد، بی تردید چنین حضوری می تواند به سازمانهای تروریستی مدرن با پشتوانه مالی و تجهیزات نظامی فوق العاده نظیر شبکه حقانی وابسته باشد که در راستای منافع ایالات متحده آمریکا و غرب فعالیت کنند.

از سوی دیگر این شبکه تقریباً شامل همه گروههای جهادی دیوبندی است که در مناطق تحت نفوذشان در پاکستان فعالیت می کنند. ضمن آنکه گفته می شود داعش برای برقراری ارتباط با تندروهای پاکستانی نظیر لشکر طیبه و تحریک طالبان پاکستان به شدت به حقانی ها وابسته است. بی شک شبکه حقانی برخلاف اکثر گروههای افراطی مستقر در افغانستان در نیم قرن گذشته موفق شده جایگاه جهادی بین المللی برای خود بسازد و این جایگاه با حمایت اعضای ارشد القاعده و افراد متنفذ طالبان در دیگر کشورهای خارجی از جمله پاکستان و ساپورت های مالی از سوی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس میسر نبوده است. اگرچه بسیاری از گروههای افراطی سعی در ارتباط گیری با گروههای هم مسلکشان در سوریه و عراق دارند(به نوعی وابستگی به دیگر گروههای افراطی گرا دارند) اما شبکه حقانی به شکل انفرادی روابط نزدیکتری با القاعده، رسانه ها، توانایی نظامی و تخصصی فنی در حملات انتحاری دارند که این موضوع آنها را از دیگر گروههای وابسته متمایز می کند. به نظر می رسد شبکه حقانی زیر چتر طالبان افغانستان و شورای کویته قرار دارد اما حقانی ها سعی دارند فرماندهی و کنترل عملیات را به شکل انفرادی انجام دهند، ضمن اینکه بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند شبکه حقانی و القاعده دو نام مختلف برای یک سازمان تروریستی است. شبکه حقانی متمول ترین گروهی هستند که می توانند در محیط های خطرناک کسب درآمد نمایند. باج گیری، آدم ربایی، پولشویی، سرمایه گذاری در بنگاههای ساختمانی و ساخت و ساز، عملیات صادرات و واردات از عمده فعالیت این شبکه به شمار می آیند. این در حالی است که حقانی ها فضاهای کلیدی برای تجارت های غیرقانونی را اشغال کرده و به دیگر گروهها اجازه فعالیت نمی دهند. شبکه حقانی که در ابتدا فعالیتهای تروریستی خود را در شرق افغانستان و همچنین شهرکابل آغاز کرده است توانسته از یک گروه جهادی نسبتاً کوچک و مبتنی بر قبیله گرایی به یکی از مؤثرترین سازمان های تروریستی در جنوب آسیا و خاورمیانه بزرگ تبدیل شود. آنها به عنوان بازوی قدرتمند سرویس اطلاعاتی پاکستان توصیف می شوند که پناهگاههای امن برای گروههای شبه نظامی که با نیروهای خارجی و افغان در افغانستان می جنگند، فراهم می کنند.

به نظر می رسد گستره و عمق تهدیدات این شبکه فرای اندیشه های جهادی و در جهت برنامه ریزی و همچنین بسترسازی اهداف قدرتهای جهانی هماهنگ با سایر گروههای افراطی که در مقابل نظام امپریالیستی ایستادگی می کنند، باشد. کنترل دو قدرت چین - روسیه و کشورهای جنوب شرق آسیا به عنوان غول های تجاری - صنعتی و نظارت بر معادن معدنی و ذخایرانرژی منطقه و نظارت بر ایران به عنوان قدرت نوظهور منطقه، مسئله ای استراتژیک برای قدرتهای اروپایی و آمریکا به شمار می آید چراکه هرگونه بی تفاوتی نسبت به این مسئله ضمن تضعیف حاکمیت ملی، سیاست های بین المللی شان را تحت الشعاع قرار می دهد، از این رو انتخاب نمایندگانی چون شبکه حقانی که درصدد نقشی منطقه ای برای تاثیرگذاری بیشتر بر مسلمانان هستند می تواند هژمون شان را بسط و توسعه دهند.

نتیجه گیری

به نظر می رسد وقتی گروهی بخواهد با دیگر گروهها تبادل اطلاعات و یا ارتباط گیری انجام دهند به قطبهای مرتبط می شوند که توانایی خودمحور بودن بر اساس توانمندیشان را کسب کرده اند و می توانند تشکیل شبکه بدهند، چنین شبکه ای در نهایت زیرمجموعه های خود را به سمت اهداف بلند مدت شان هدایت می کنند. از این رو حقانی ها با ایجاد چنین شبکه ای که استراتژیست های غربی آن را طراحی نمودند به جهت گسترش و تشدید بنیادگرایی در افغانستان - پاکستان و فضای پیرامونی شان برای تسلط همه جانبه بر منطقه مورد نظر کوشش می کنند.

از سوی دیگر شبکه حقانی با ائتلاف و پیمانی دیرینه با طالبان پاکستان و افغانستان که گستره ای وسیعی از خاک این دو کشور را در دست دارند، به یک چالش غیرقابل کنترل تبدیل شده که تاثیرات منطقه ای قابل ملاحظه بر فضای پیرامونی خواهند گذاشت. حمایت های مالی و معنوی قدرتهای فرامنطقه ای به منظور تجهیز شبکه حقانی به انواع سلاحهای فوق پیشرفته برای هژمون بر رقیبان منطقه ای، همدستی و حمایت سرویس اطلاعاتی پاکستان از شبکه حقانی و دیگر گروههای افراطی که یک مانع بزرگ برای دستیابی به ثبات و امنیت است، نابسامانی ها را در جنوب و جنوب غرب آسیا تداوم می بخشد. بی شک فعالیتهای این شبکه نشانگر عدم علاقمندی آنان به صلح در منطقه است چرا که علت وجودی این گروه در بی ثباتی و درگیری تعریف می شود که با حاکم کردن اندیشه های رادیکالی در بین مناطق قبیله ای در پی گسترش هژمون منطقه ای خود و دخالت دادن قدرتهای فرامنطقه ای برای بقا هستند. با این تفاسیر عمق استراتژیک و حیات خلوت جریانات افراط گرا منطقه ای در رابطه مستقیم با شبکه حقانی قرار دارد و تا زمانی که این شبکه کنترل باورهای مذهبی و بافت متنوع قومی - اجتماعی مناطق تحت تسلط طالبان را در اختیار داشته باشد علاوه بر تشدید اختلافات بین کشورهای منطقه و درگیری گسترده نظامی که به افزایش شمار پایگاههای

نظامی- امنیتی قدرتهای فرامنطقه ای می انجامد، دستیابی به صلح و ثبات هم جنبه موقتی خواهد داشت.



منابع

- ≠ اطاعت، جواد و علی اکبر دبیری، تحلیل زمینه های شکل گیری و فعالیت گروههای تروریستی در جهان اسلام، مجموعه مقالات همایش بین المللی بحران های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، جلد اول، ۱۳۹۵، ص ۶۸.
- ≠ قهرمانپور، رحمن، تاثیر مسئله هسته ای ایران بر روابط ایران و پاکستان، کتاب مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
- ≠ برناردکوهن، سائول، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، چاپ اول، تهران، انتشارات ابرار معاصر، ۱۳۸۷.
- ≠ سلیمانی پور لک، فاطمه، واکاوی نسبت میان بحران های ژئوپلیتیک جهان اسلام و بازتولید تروریسم، مجموعه مقالات همایش بین المللی بحران های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، جلد اول، ۱۳۹۵، ص ۴۱۸.
- ≠ وریج کاظمی، مریم، ماهیت و فضای عملیاتی شبکه حقانی، مرکز بین المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۹، www.pease-ipsc.org
- ≠ Bumiller. Elisabeth and Jane Perlez, "Pakistan's Spy Agency is Tied to Attack on U.S. Embassy," New York Times, <http://www.nytimes.com/2011/09/23/world/asia/mullen-assertspakistani-role-in-attack-on-us-embassy.html?pagewanted=all>
- ≠ Clinton demands action in 'days and weeks'," DAWN, October 21, 2011, <http://www.dawn.com/news/668052/clinton-demands-action-in-days-and-weeks>.
- ≠ Carter, Sara, "Pakistani terror network takes on major role in Afghan war," Washington Examiner, (2012), <http://washingtonexaminer.com/news/world/pakistani-terror-network-takes-major-role-afghan-war#ixzz1W4RLUCgW>.
- ≠ Country Reports on Terrorism, United States Department of State Publication /Bureau of Counterterrorism /Released September 2018.
- ≠ Clark, Kate, Ten Years On: The Fall of Loya Paktia and Why the U.S. Preferred Warlords," Afghan Analysts Network (24 November 2011), <http://aan-afghanistan.com/print.asp?id=2269> (accessed 3 July 2012). Biography: Jalaluddin Haqqani," www.Afghan-web.com,
- ≠ Dressler Jeffrey, "The Haqqani Network, a Strategic Threat," Institute for the Study of War (18 March 2012), <http://www.understandingwar.org/report/haqqani-network-strategic-threat>
- ≠ Fearon, James, Why Do Some Civil Wars Last so Much Longer than Others?" Journal of Peace Research, 41, no. 3, 2012), 275-301, <http://www.saramitchell.org/fearon.pdf>

- ≠Gretchen Peters, Crime and Insurgency in the Tribal Areas of Afghanistan and Pakistan, (New York: Combating Terrorism Center, 2012),
http://www.ctc.usma.edu/wpcontent/uploads/Crime-and-Insurgency_Final.pdf
- ≠Gareth Porter, Drone Strikes Shatter U.S. Pakistani Trust,” Asia Times Online, (2012), http://atimes.com/atimes/South_Asia/MD15Df01.html .
- ≠Ganor ,boaz, Defining Terrorism is one man’s Terrorism another man’s Freedom Fighter/Vol.3.No.4,2002,publication routledge.p.300
- ≠Guest blogger, Afghanistan Endgame, Part One: Is Sirajuddin Haqqani Ready for Peace? 2019, <https://www.cfr.org/blog/afghanistan-endgame-part-one-sirajuddin-haqqani-ready-peace>
- ≠Husain Haqqani, The Role of Islam in/Pakistan’s Future/ by The Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts/Institute of Technology/The Washington Quarterly,2004, 28:1 pp.
- ≠Haris Anwar, Pakistani Taliban to Halt Attacks that Kill Civilians, News Says,” Bloomberg, (3 January 2012),
[http://www.bloomberg.com/news/2012-01-03/pakistan-taliban-to-end-attacks-t hat-kill-civiliansnews-says.html](http://www.bloomberg.com/news/2012-01-03/pakistan-taliban-to-end-attacks-that-kill-civiliansnews-says.html)
- ≠Hillmich. wolfgang, Afghanistan: the nexus of local and regional security. Special Report .2018, Nato parliamentary assembly.
- ≠Landler. Mark and Thom Shanker, U.S. May Label Pakistan Militants as Terrorists.” New York Times,
http://www.nytimes.com/2010/07/14/world/asia/14diplo.html?_r=1&ref=global-home
- ≠Marvin G. Weinbaum, Meher Babbar, The Tenacious, Toxic Haqqani Network/MEI Policy Focus 2016-23/ Middle East Institute /Policy Focus Series.
- ≠Omar Waraich, Panetta Confronts Pakistan Over Collusion With Militants,” Time Magazine,
<http://www.time.com/time/world/article/0,8599,2077103,00.html>
- ≠Omar Nawaz .Muhammad, Economic Mineral Deposits of Pakistan,” The Geological Survey of Pakistan, (8 January 2012),
<http://www.scribd.com/doc/98158515/Economic-Mineral-Deposits-of-Pakistan>.
- ≠Office of the Spokesman, U.S. Department of State, “Designation of Haqqani Network Commander Badruddin Haqqani,” Media Note (Washington DC: U.S. Department of State, 11 May 2012), <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2011/05/163021.htm> .
- ≠Peters, Gretchen, Crime and Insurgency in the Tribal Areas of Afghanistan and Pakistan,” (New York: Combating Terrorism Center, 15 October 2010),
http://www.ctc.usma.edu/wpcontent/uploads/2010/10/Crime-and-Insurgency_Final.pdf
- ≠Rohde .David, You Have Atomic Bombs, but We Have Suicide Bombers,” New York Times,

2009,<http://www.nytimes.com/2009/10/20/world/asia/20hostage.html?pagewanted=all>

- ≠Rassler, Don and Vahid Brown, *The Haqqani Nexus and the Evolution of al-Qa'ida* (New York: Combating Terrorism Center, 14 July 2012), <http://www.ctc.usma.edu/posts/the-haqqani-nexus-and-the-evolutionof-al-qaida>
- ≠Umair .Jamal, *Pakistan's Haqqani Network Increases Its Profile in Afghan Peace Talks*. 2019, <https://thediplomat.com/2019/11/pakistans-haqqani-network-increases-its-profile-in-afghan-peace-talks>.
- ≠U.S. Geological Survey, "Preliminary Assessment of Non-Fuel Mineral Resources of Afghanistan, 2007," Fact Sheet 3063,, <http://pubs.usgs.gov/fs/2012/3063/fs2007-3063.pdf>
- ≠U.S. Department of the Treasury, "Treasury Targets Taliban and Haqqani Leadership: Treasury Designates Three Financiers in Afghanistan and Pakistan," TG-782 (22 July 2010), www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg782.aspx
- ≠U.S. Embassy, Islamabad, "Afghanistan: Taliban Decision-Making and Leadership Structure," and "Afghanistan: Jalaluddin Haqqani's Emergence as a Key Taliban Commander," Confidential Cables. National Security Archives "Taliban Files," www.gwu.edu/~nsarchiv/
- ≠Ukman, Jason, *The Haqqani network: Al-Qaeda's dangerous patron*," *The Washington Post*, July 18, 2011, https://www.washingtonpost.com/blogs/checkpoint-washington/post/al-qaedas-dangerous/dangerous-haqqani-patron-in-pakistan/2011/07/18/gIQAtWmclI_blog.html.
- ≠Williams Phil and Vanda Felbab Brown, *Drug Trafficking, Violence and Instability*." Strategic Studies/Institute, Army War College April 19, 2012. <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pubs/display.cfm?pubID=1101>.
- ≠Weinbaum, Marvin G Meher Babbar, *The Tenacious, Toxic Haqqani Network/MEI Policy Focus 2016-23/ Middle East Institute /Policy Focus Series*. <https://www.mei.edu/publications/tenacious-toxic-haqqani-network>
- ≠<https://www.thenational.ae/world/asia/afghan-taliban-announces-death-of-haqqani-network-leader-1.766639> Updated: September 4, 2018 06:05 PM
- ≠<https://slideplayer.com/slide/9896811>